

تعلیم زبان مادری

- ۴ -

نگارش آقای فوادی

مدرسه جدید - فن درست نوشتن و املاء

مدرسه جدید را غرض از درست نوشتن این است که شاگرد فارغ التحصیل اراخوشخط باشد و تانیا آنچه را مینگارد و از قبیل رونویسی و انشاء مراسلات و تهیه مقالات و رسائل و امثال آنها صحیح و مطابق قواعد رسم الخط و املاء باشد. شاگرد فارغ التحصیل دبیرستان باید مندرجات یک روزنامه را (اخبار - مقالات - اعلانات - باورقی ها) که از خارج باو دیکته کنند صحیح و بدون غلط بنویسد و اگر از عهدہ برنیاید بدیهی است که مواد پرگرام مدرسه را در این قسمت فرانگرفته و با آنکه مدرسه نتوانسته است مواد کوررا در مورد چنین شاگردی عملی کند و اگر دبختانه از عهدہ صحیح نوشتن یک مراسله برنیاید حق داریم او را بیسواد بدانیم. در ممالک خارجه نیز این اصل مسلم است و شخص مدرسه دیده بندرت در املاء و درست نوشتن اشتباه میکند (حتی آنهایکه تنها دبستان را دیده و بان اکتفا کرده اند).

اشکال صحت املاء فارسی در این است که بعضی صداها با چند حرف مختلف نمایش داده میشود مثل صدای (ز) در کلمات (زهره - آذر - ضمیر - ظاهر) که بوسیله چهار حرف نوشته میشود در صورتیکه برای عرب تنوع این حروف تولید اشکال نمیکند چه هر حرفی در مقابل یک تلفظ مخصوصی دارد عرب هیچگاه (ز) و (ذ) را یک جور تلفظ نمیکند.

علت و سبب این اشکال را که متوجه خط ما شده باید در تاریخ تفحص کنیم باین معنی که چون زبان و خط عرب در ایران رواج یافت ایرانیها در ابتدا کلمات را مثل خود اعراب تلفظ می کردند حتی بعد از قرن سوم هجری که زبان فارسی رونق گرفت کلمات عربی را که ضمن جمله های فارسی میامد نیز مطابق لهجه عرب ادا می نمودند چنانکه امروز هم دیده میشود که بعضی از عربی دانه در ضمن صحبت فارسی حروف همزه و عین - حاء حطی و ه هوز را یک جور تلفظ نمیکند اما از آنجائیکه لهجه ایرانی و مخارج تلفظ او با لهجه عرب اختلاف فاحش دارد بالاخره با مرور زمان طبیعت کار خود را کرد و حروف عربی را که در تلفظ دشوار بود تخفیف و تسهیل داد و بشکل تلفظ امروز در آورد و در نتیجه بعضی صداها در القای فارسی دارای اشکال متعدد شدند. از یک طرف زحمت تلفظ دشوار از گردن ما برداشته شد و از طرف دیگر قوای تداعی معانی و حافظه ما بزحمت افتاد. خلاصه اگر تنوع حروف هم صدا در خط ما وجود نداشت بنظر نگارنده بجای شش کلاس دبستان می - توانستیم بچهار کلاس اکتفا کرده پرگرام وضع شده را عملی کنیم و دو سال عمر شاگردان ما تلف نشود.

محاسن خط و املائی ما در مقابل نقص سابق الذکر بدیهی است، اینک ذیلا بچند فقره

از آنها اشاره میکنیم.

۱ - تند نویسی است که اگر فرضاً يك مضمون را در فارسی با سرعت معین در دقیقه مینویسیم آن مضمون را با همان سرعت با انگلیسی - فرانسه - روسی در چهار دقیقه بلکه بیشتر خواهیم نوشت (هر کس در این باب تردید دارد خوب است يك حکایت کوچک را با زبان ساده بفارسی و بيك زبان خارجی بنویسد، بشرای که در آن زبان هم مساط باشد و مدت صرف شده را مقایسه کند) باینجهت تند نویسی ایرانی میتواند مذاکرات و صورت مجالس را عیناً یادداشت نموده بعداً کنویس کند در صورتی که در ممالک خارجه برای ضبط مذاکرات پارلمانی و غیره که باید نطق و بیانات گوینده را عیناً یادداشت کنند علامات مخصوصی که يك نوع رمز باشد بکار میبرند و نویسنده مدتی را برای تحصیل و تمرین در این علامات باید صرف کند.

۲ - خواندن و مطالعه سریع است زیرا هر کلمه بواسطه تنوع اتصال حروف و اختلاف املا يك شکل معینی را دار است و بمجرد دیدن فکر متوجه معنی آن میشود بطوریکه اگر نقطه های آن هم افتاده باشد ما آنرا درست میخوانیم. کلمات در الفبای فارسی محل متر اشغال کرده و قوه باصره برای تشخیص آنها کمتر صرف میشود مثلاً کلمه (سکنجبین) دارای شکل معین است که در فارسی کلمه دیگر را بان شکل نمی بینیم یا مثلاً اختلاف کلمات (سور - ثور - صور) علت تسهیل انتقال ذهنی بمعانی آنها میشود، حال فرضاً اگر کلمه (سکنجبین) را با حروف لاتین بنویسیم عمل باصره برای دیدن و تشخیص بیشتر روی آن معطل میشود.

۳ - زیبایی و جلوه خط فارسی در عالم تمدن مسلم است. میل زیبایی که با طبیعت بشر همراه است در خط فارسی دخل و تصرف بسیار کرده است، گوئی روح مانی نقاش همواره در کالبد ملت ایران تاثیر خود را داشته است که از خط خشن و سطحی کوفی اشکال مختلف زیبای رسم الخط را استخراج کرده است بطوریکه از باب اوق خط خوش را در ردیف آب و سبزه و روی خوب جزو چیزهایی قرار داده اند که چشم از مشاهده آنها محظوظ میشود زیرا از خوشی و زیبایی خط يك نوع لذتی برای خواننده پیدا میشود و بدین واسطه قوای منفعمه تحت تاثیر واقع میگردد و در نتیجه حافظه بهتر می تواند مطالب را اخذ و ضبط نماید (هر چه برای انسان بیشتر تازگی داشته با موجب شدت لذت و الم او گردد بهتر در حافظه ثبت و ضبط میشود)

البته تکالیف ما نیست که نواقص و مزایای الفبای خود را مقایسه کنیم زیرا موضوع مقاله ما درست نوشتن و صحت املاء با خط فعلى است فقط این مطلب را نا گفته نگذاریم که الفبای ما با آنهمه ایراد و انتقاد که وارد میکنیم از الفبای دوره قبل از عرب ایران خیالی آسانتر است (رجوع شود بالفبای یهودی و میخی و تحریرات هز و ازش)

رو نویسی - یکی از وسائل فرا گرفتن فن درست نوشتن و صحت املا رو نویسی است بدین طریق که شاگرد در طی شش سال تحصیل در دبستان از روی کتاب قرائت مقدار معینی را رونویس میکند، اهمیت و فایده این کار در این است که اولاً شاگرد در ضمن نوشتن با کلمات مشکل مواجه شده بواسطه تکرار و تمرین آنها را حفظ می کند و چون این کلمات را از خارج با ویدیکته کنند صحیح خواهد نوشت. ثانیاً بر اثر رو نویسی خطش ترقی می کند و چون کتابهای قرائت معارف از حیث زیبایی خط و حسن سابقه در تنظیم صفحات بطور بسیار خوبی تهیه شده شاگرد در نتیجه رو نویسی از آنها دارای ذوق و سلیقه میشود.

ثالثاً ترتیب نوشتن کلمات و اختلاف اشکال آنها را شاگرد باید از روی کتاب قرائت یاد بگیرد و دیگرکه این ترتیب را با ویدیکته از روی کتاب قرائت شاگرد میفهمد (له مثلاً (س کشیده)

را از کجای خط باید شروع کرد و دایره‌های (ی - ن و غیره) را باید در کجا قرارداد و کلمات (می بینیم - باغ - میگیرد) را نباید بشکل (میبینیم - به باغ - می گیرد) نوشت و مثلا دو کشیده بهاوی هم زشت است و باید آنرا بشکل دندانان نوشت (مثل نشست - است) و با آنکه هر جا بعد از (س) حروف (ج-ح-خ) بیاید باید آنرا بشکل دندانان نوشت که اگر اتفاقاً نقطه زیادی بین (س) و این حروف بیاید حرف زیادی تصور نشود و شاکر بدخط کلمات (شور - سفر - مشق) را بهتر است با کشیده بنویسد (بدیهی است این قیود درد بیرستان که خط شاکر بدخط بشکسته متمایل است مورد ندارد لکن شاکر بدیرستان هم باید این شرایط را بداند که اگر بخواهد با خط نستعلیق چیز بنویسد از عهده برآید) .

رابعاً رونویسی برای توجه و تمرکز قوای فکری و عادت بصبر و حوصله بی اندازه مفید است. شاکر بدیهه در نتیجه رونویسی عادت کرده است که مدتی نشسته و کار کند و خود را بصبر و حوصله عادت دهد در بزرگی از نشستن و کار کردن پشت میز و یا انجام کارهای دیگر که مستلزم صبر و حوصله است ملول و فراری نمیشود .

خامساً چون در رونویسی قوای تمرینی شاکر بدکار می افتد و در نوشتن مدت بیشتری را برای کلمه نسبت بخواندن صرف می نماید و کلمات و جمله‌ها مدت بیشتری جلو چشم او جلوه میکنند بدیهی است که مطالب را بهتر حفظ کرده درس را بهتر یاد می گیرد. نگارنده را عتیده بر این است که باید هر شاکردی بحکم وظیفه و اجبار کناجیه مخصوصی برای نوشتن اشعار حفظی داشته باشد. وقتی موارد فوق نتیجه مثبت بیا میدهند که تکالیف شاکردان را مرتباً از روی دقت بازدید کنیم و شاکر بد را مسئول حسن انجام آن قرار دهیم و بواسطه تشویق و ملامت و تنبیه فکر او را متوجه مقصود سازیم .

نظارت آموزگار در رونویسی

در سال پنجم و ششم دبستان هفته یک ساعت با بد شاکردان در کلاس تحت نظر آموزگار در دفتر بکته به حسن خط یا خوش نویسی تخصیص داده می شود و رونویسی بپردازند و آموزگار نمره ارزش زحمت و سلیقه و حسن خط آنها را تعیین و در دفتر کلاس ثبت نماید و دبستان ترتیب اثر باین نمرات بدهد. آموزگار باید دقت کامل شاکر بد را در نظافت و رونویسی جانب نماید. درسهای رسم و نقاشی بطور غیر مستقیم در نظافت و حسن سلیقه مؤثر است .

بنظر نگارنده در کلاس اول و دوم دبستان باید آنچه را شاکر بد از روی کتاب قرائت یاد می گیرد بدون استثنا رونویس کند و قسمت بیشتر را تحت نظر آموزگار انجام دهد زیرا در ابتدا انجام این تکالیف بدون همراهی و راهنمایی غیر مقدور است. ساعات منظور در زیر و گرام دبستان برای این قسمت کافی است. تنظیم و تقسیم آنها وابسته بلیاقت و کاردانی و وسعت نظر و احاطه آموزگار است .

در کلاس سوم و چهارم باید قسمتهائی از کتاب قرائت برای رونویسی تخصیص داده شود که لغت املائی بیشتر داشته باشد و بعلاوه اشعار و قسمت های تاریخی حتماً باید رونویس شود زیرا حفظ آنها بعد از رونویسی خیلی آسان می شود .

در کلاس پنجم و ششم چون مواد پر گرام بیشتر و کتاب قرائت مفصّلتر وقت شاکر بد کمتر است باید قسمت هائی را از کتاب قرائت برای رونویسی تخصیص دهند که دارای لغات مشکل املائی باشد. همچنین باید اشعار حفظی را رونویس کنند .

در دوره اول دبیرستان باید قطعات منتخبه که برای حفظی تعیین میشود در دفتر جداگانه از روی حسن سلیقه و نظافت رونویس شود .

متأسفانه بعضی از همکاران محترم اهمیت رونویسی را تشخیص نداده و دیگره رایگانه وسیله فرا گرفتن صحت املاء میدانند در صورتی که زندگی اجتماعی مانه تنها درست نوشتن را تقاضای کند بلکه در تدریسات حسن سلیقه و نظافت و خوشی خط را نیز ايجاب می نماید چه بسا دیده می شود يك عریضه یا لایحه و مقاله از روی متانت لفظ و حسن ترکیب جملهها و صحت املاء تنظیم شده اما از بس بی سلیقه و کتیف و بدخط نوشته شده رغبت بمطالعه آن از انسان سلب می شود.

یکی دیگر از وسایل فرا گرفتن املاء قرائت است. کثرت تکرار کلمات سبب می شود که شکل آنها در حافظه ضبط شود و برای این منظور لازم است آموزگار در طی قرائت دقت شاگرد را بکلمات مشکل جاب کند .

توجه با املاء

در ضمن قرائت

در کلاس پنجم و ششم دبستان بفرآخور معلومات و استمداد شاگرد مشتقات کلمه مشکل را مطرح کننده تالاکر بکلمه (مضنون) برخورد کلمات (ظن - مظنه) راهم با آنها خاطر نشان کنده همچنین در مورد کلمه (سائل) نظر آنها را بکلیات (سؤال - مسئله - مسئلت - مسترل) جاب نماید. این نوع تمرین در دبیرستان باید توسعه یابد. بدیهی است در صورتی خاطر نشان کردن کلمه مفید و ضبط آن در حافظه آسان می شود که توجه بمعانی لغات هم منظور گردد .

راه مستقیم برای فرا گرفتن املاء دیکته است و در این باب آراء و نظریات کلیه معلمین موافق می باشد لکن در انتخاب موضوع دیکته سلیقه ها مختلف است بعضی از همان کتاب قرائت کلاس و برخی از کتاب قرائت سال بعد و

دیکته و موضوع آن

یاره از خارج مثلا از کلبه و دمنه - تاریخ معجم - مرزبان نامه و غیره دیکته را انتخاب می کنند. بنظر نگارنده موضوع دیکته باید مطابق فهم شاگرد باشد زیرا مقام کلمه و مورد استعمال آن وقتی تشخیص داده می شود که جمله و خود کلمه که در ضمن آن آمده مفهوم باشد اگر کلمه نامفهوم باشد بزودی از خاطر محو می شود بنابراین از کلاس اول تا چهارم دیکته را باید از روی کتاب قرائت کلاس تعیین کنید و یا آنکه در حدود آن انتخاب نمایند .

در کلاسهای پنجم و ششم لغات کتاب املاء جلد اول (ألیف آقای میرزا عبدالعظیم خان) کفایت میکنند و زیاده از آن تحمیل بر قوای ذهنی شاگرد است و اگر از کتابهای دیگر گفته شود باید در حدود آن باشد آمدیم بر سر آنکه آیا باید دیکته را از روی آن گمت یا آنکه جملهها و عبارات آن را با حفظ لغات مشککه زبان فارسی امر و در آورد. در این باره نظریات مختلف است بعضی عین مطلب کتاب رامی گویند و برخی جمله های آنرا مطابق زبان امروز ترکیب کرده کلمات غیر مانوس را میاندازند اگر بخواهیم شاگرد معنی دیکته را بفهمد باید شق دوم را ترجیح دهیم .

در دوره اول و درم دبیرستان بنظر نگارنده باید دیکته از حدود کتاب املاء جلد دوم (نالیف آقای میرزا عبدالعظیم خان) تجاوز نکند و الا شاگرد مطالب دیکته را نفهمیده و ممکن است نتیجه بعکس از چنین دیکته با ست آورد. چنانکه گفتیم (در مورد رونویسی) دیکته وقتی نتیجه مثبت دارد که مشتقات لغات مشکل آن بوسیله تمرین خاطر نشان شود .

بنظر نگارنده شاگرد در خاتمه سال دوم دبستان باید در نوشتن دیکته بتواند اصوات را درست تشخیص دهد و موارد وصل و فصل حروف را

دیکته

بخوبی بداند و نباید از او صحت املاء را متوقع باشیم آموزگار باید تلفظ و نوشتن صحیح کلمات را تعلیم دهد که شاگرد بداند در مقابل هر صدائی چه حرفی را استعمال کند

مثلاً بجای الف نباید زبر بنویسد و بجای (ت) حرف (د) را استعمال ننماید و اگر تلفظ او غلط است اول این قسمت را تصحیح کند، همچنین مراقب باشد که شاگرد حرفی را نیندازد و بیش ننویسد. در سال سوم و چهارم صحت املاء کلمات ساده مصطلح کافی است و شاگرد باید لغات کتاب قرائت خود را صحیح بنویسد و اغلاط او درین مورد از پنج تجاوز نکند.

در سال پنجم و ششم شاگرد باید لغات مصطلح در زندگانی اجتماعی را صحیح بنویسد مثلاً يك مرأسله را بی غلط و يك صورت حساب را صحیح تنظیم نماید.

بعد از خاتمه دوره اول دبیرستان شاگرد باید زبان کتابی را صحیح بنویسد (مثلاً مقاله يك روزنامه)

در خاتمه دوره دوم شاگرد باید زبان ادبی را بی غلط بنویسد (مانند منتخبات از آثار نویسندگان گذشته و امروز) بدیهی است برای وسعت دامنه لغات مشکله زبان ادبی نمی شود حدی قابل شد و بعضی از نویسندگان آن را خیلی وسیع کرده اند، بنابراین ممکن نیست کلیه لغات مشکله ادبیات را جزو مواد حتمی دیکته قرارداد از شاگرد دبیرستان توقع داشته باشیم هم را صحیح بنویسد. در دبستان تا کلاس چهارم دیکته شاگرد را خود آموزگار باید تصحیح کند زیرا دقت آنها در این مرحله ضعیف است و نمی توانند دیکته خود با رفق را تصحیح کنند.

دیکته

اما در باب اینکه چگونه باید کلمات غلط را تصحیح کرد بعضی می گویند نباید زبر کلمه غلط خط کشیده صحیح آن را در بالا یا آنکه در ذیل دیکته نوشت زیرا چشم شاگرد در این صورت هم بکلمه صحیح و هم بغلط آن مواجه می شود و ممکن است بواسطه آنکه هر دو شکل در نظر او ست باشد دچار تردید و اشتباه شود و نداند کدام يك صحیح و کدام غلط می باشد و نیز ممکن است کلمه غلط در یادش مانده صحیح آن را فراموش نماید پس بهتر این است در تصحیح دیکته هر جا با کلمه غلط مصادف شدیم آن را سیاه کرده صحیحش را بالا بنویسیم که شاگرد بالمره شکل دیگر را نبیند این نظریه البته خالی از حقیقت و صحت نیست.

در کلاس های مذکور باید بر حسب کوهی باز یادی غلطها شاگردان دیکته را يك با چند مرتبه یا کنویس کنند. بعضی از آموزگاران علاوه بر یا کنویس دیکته و امیدارند که شاگرد کلمات مشکل را ده تا بیست مرتبه بنویسد گرچه این تکلیف خالی از فائده نیست لکن چون شاگرد آن را با عجله می نویسد و از مرتبه چهارم و پنجم بقدری بدو تند و بدون توجه می نویسد که خودش هم بعد نمیتواند بخواند فائده آن رعایت کم است کلمه وقتی بهتر در حافظه می ماند که مقام و مورد استعمال آن در جمله معاموم باشد پس یا کنویس تمام دیکته مؤثرتر و مفیدتر است.

در کلاس های پنجم و ششم دبستان دو نوع تصحیح دیکته مفید است یکی آموزگار اقلاً ماهی يك مرتبه شخصاً دیکته هر شاگردی را بدقت تصحیح کند و توجه شاگرد را با غلط جانب نماید و دیگر آنکه دیکته ها را بعد از جمع آوری بین شاگردان تقسیم کند بطوریکه هر شاگرد دیکته دیگری را تصحیح نماید. در این مورد خوب است آموزگار یکی از دیکته ها را گرفته و لغات مشکل را بترتیب روی تخته بنویسد تا شاگردان مطابق آن تصحیح نمایند، راه دیگر این است که تصحیح دیکته را بعد از خود شاگرد بگذارد بشرط اینکه یا کنویس دیکته را بعد از خود باز دید نماید و شاگردان کتاب املاء را که از روی آن دیکته گرفته میشود داشته باشند.

و اما در دبیرستان که شاگردان نمره با سر اذیت ترند و بهتر می توانند شرایط نظافت و سابقه و حسن

خط را رعایت کنند و ذخیره کلمات مشکل املائی نزد آنها بیشتر است بجای هفته دو ساعت در دبستان هفته یکساعت در دوره اول و ماهی یکساعت در دوره دوم کافی است. برای صرفه جویی از وقت باید دیکته را در شاگرد در خارج تصحیح و با کنویس کند و در با کنویس هر جا بگامه که غلط نوشته است رسید باید آنرا با جوهر سرخ بنویسد. در این صورت شاگرد می تواند در موقع اقتضا دفتر خود را مرور کرده کلمات مشکل را که مشخص میباشد کراراً مطالعه کند.

در دوره دوم دبیرستان ممکن است دیکته را طور دیگر گفت باین طریق که چند صفحه از کتاب املا را تعیین کرده قبلاً بشاگرد اطلاع دهند که دیکته بعد در حدود اوقات و مشتقات آن ها خواهد بود. شاگردان آن را در خارج مطالعه کرده و بعد در کلاس دیکته می نویسند. بدیهی است که دبیر از روی لغات مذکور دیکته ترتیب داده بآنها میگوید و شخصاً تصحیح میکند در چنین دیکته اکثر اغلاط نباید ازینج تجاوز نماید.

در خاتمه این مطلب را ناگر بریم متذکر شویم که هر معلمی برای تدریس قسمت محوله باید اصل منظور و مقصود را تشخیص دهد و در ابتدا کردن راه عملی آن بر آید. طرق تعلیم نسبت بزمان و مکان و محیط هر مملکتی فرق میکند لذا آنچه در فوق مذکور آمد نمونه ایست که محض تذکار عرض شد نه آنکه نگارنده آنرا بتواند اصل مسلم پیشنهاد کرده باشد.

محصلین ایرانی در فرانسه :

ردیف	نام محصل	موضوع	نمره
۱	محمد علی	ریاضیات	۱۰
۲	علیرضا	فلسفه	۹
۳	علیرضا	فلسفه	۸
۴	علیرضا	فلسفه	۷
۵	علیرضا	فلسفه	۶
۶	علیرضا	فلسفه	۵
۷	علیرضا	فلسفه	۴
۸	علیرضا	فلسفه	۳
۹	علیرضا	فلسفه	۲
۱۰	علیرضا	فلسفه	۱

در قسمت معلمی :

ردیف	نام معلم	موضوع	نمره
۱	علیرضا	ریاضیات	۱۰
۲	علیرضا	فلسفه	۹
۳	علیرضا	فلسفه	۸
۴	علیرضا	فلسفه	۷
۵	علیرضا	فلسفه	۶
۶	علیرضا	فلسفه	۵
۷	علیرضا	فلسفه	۴
۸	علیرضا	فلسفه	۳
۹	علیرضا	فلسفه	۲
۱۰	علیرضا	فلسفه	۱

عده از محصلین هم که پیش از تعطیل تابستان با چند تصدیقی نائل شده بودند پس از تعطیل نیز بگرفتن تصدیق دیگر موفق شده اند که عده ایشان ۱۲ نفر است.

قسمت فنی :

ردیف	نام فنی	موضوع	نمره
۱	علیرضا	در مهندسی برق	۲
۲	علیرضا	« شیمی »	۲
۳	علیرضا	« معماری »	۱